

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۲۰

علیرضا سمیعی اصفهانی*

عبدالرضا فتحی مظفری**

چکیده

نیل به مقاصد سیاسی، امنیتی و اقتصادی، همواره از مهم‌ترین اهداف کشورها در تدوین و اعمال سیاست خارجی‌شان بوده است. برای تحصیل این مقاصد، کشورها به‌طور سنتی نوعی دیپلماسی مبتنی بر رویکردها و ابزارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی را در پیش می‌گیرند؛ باوجود این، در نیمه دوم سده بیستم رویکردهای جدیدی در دیپلماسی مطرح شد که توجه افزون‌تر و تأکید بیشتر بر راهکارها و ابزارهای فرهنگی را به مسئولان و طراحان سیاست خارجی توصیه می‌کرد. در این بین ایران نیز، از جمله کشورهایی است که توانایی بالقوه‌ای در جذب و اثرگذاری بر مخاطبان جهانی و منطقه‌ای خود دارد. از این رو ضرورت دارد با در نظر گرفتن توانایی‌های ایران، راهبرد مدونی برای دیپلماسی فرهنگی ارایه شود. بر اساس نظریه سازه‌نگاری، زمانی که افراد هویت خود را تغییر می‌دهند، تعریف آنها از منافع نیز متحول خواهد شد. بر این اساس، هدف اصلی مقاله حاضر عبارت است از بررسی توانایی‌ها و قابلیت‌های ایران در زمینه قدرت نرم و چگونگی بهره‌گیری از آنها در دیپلماسی منطقه‌ای جهت تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات بهره‌گیری از منابع خبری با تکیه بر داده‌های عینی — تاریخی صورت پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: هویت، قدرت نرم، سازه‌نگاری، دیپلماسی فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، خاورمیانه

asamiei@mail.yu.ac.ir

rezafathi44@yahoo.Com

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱، صص ۱۷۶ - ۱۴۵.

مقدمه

امروزه افکار عمومی یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری کشورها در حوزه‌های گوناگون محسوب می‌شود. بنابراین، کشورها نمی‌توانند همچون گذشته تنها بر تبادلات بین دولتی خود در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند و برای اثرگذاری بیشتر، نیازمند برقراری ارتباط هدفمند با مخاطب عام و به‌ویژه نخبگان هستند. از این رو از روش‌ها و ابزارهای گوناگونی در این رابطه بهره می‌برند. یکی از مهم‌ترین این ابزارها، استفاده از مؤلفه‌های قدرت نرم در دستگاه سیاست خارجی کشورهای مختلف است. در این راستا، تلاش عمده سیاست‌گذاران، ارتباط با مخاطب عام و نخبگان برای جهت‌دهی به افکار عمومی است. در این رابطه، قدرت نرم، منبع دیپلماسی فرهنگی تلقی می‌شود. با گسترش دیپلماسی فرهنگی، قدرت نرم یک کشور می‌تواند بهبود یافته و تقویت شود. در این راستا ایران نیز با توجه به پیشینه تمدنی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی از منابع قدرت نرم مناسبی برخوردار است که در صورت توجه و برنامه‌ریزی برای هدفمندکردن و بهره‌برداری از منابع بالقوه، می‌تواند یکی از کشورهای موفق در کاربرد دیپلماسی فرهنگی در منطقه و جهان باشد. برقراری ارتباطات فرهنگی، همکاری‌های علمی و پژوهشی بین دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی و پژوهشی، تشکیل همایش‌ها، میزگردها و نشر دیدگاه‌ها و نظرات نخبگان علمی و گسترش صنعت گردشگری و شکل‌گیری تکررگرایی سیاسی در منطقه بسیار مؤثر خواهد بود. دین واحد و سیر تاریخی مشترک، زمینه مناسبی برای پیوندهای فرهنگی به‌وجود می‌آورد و پیوندهای فرهنگی، آسان‌ترین راه ایجاد ارتباطات در عرصه‌های دیگر است. بازیافت هویت خودی و استقرار وحدت و موفقیت در این زمینه، نیازمند به‌کارگیری الگوهای اعتمادسازی و تنش‌زدایی در منطقه و افزایش هرچه بیشتر وابستگی کشورها به یکدیگر از راه همکاری در زمینه‌های گوناگون است. بنا به علل گوناگون و اختلاف‌نظرهای جغرافیایی، کشورهای منطقه نیازمند همکاری در عرصه‌های فرهنگی هستند و جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند با استفاده از این منابع در قالب دیپلماسی فرهنگی بر کشورهای منطقه تاثیرگذار باشد؟ فرضیه مقاله آن است که شیوه اعمال قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و نفوذ به کشورهای منطقه و خاورمیانه روندی است که با در نظر گرفتن قرابت جغرافیایی، سوابق تاریخی و پیوندهای مشترک فرهنگی و مذهبی

شکل گرفته و در واقع نفوذ و اعمال قدرت نرم ایران در منطقه و خاورمیانه، مبتنی بر اصول و مبانی اعتقادی و رفتاری است که با هویت انقلاب اسلامی مرتبط است. در این نوشته با استفاده از رویکرد سازه‌انگاری سعی می‌شود به تاثیر مولفه‌های قدرت نرم ایران با استفاده از ابزار دیپلماسی بر هویت کشورهای منطقه پرداخته شود. در واقع امروزه فرایند هویت‌یابی مدام پیچیده‌تر، متنوع‌تر و اثرپذیرتر از عوامل گوناگون اجتماعی شده است که با توجه به قدرت غیرقابل انکار رسانه‌های جمعی و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین، نقش آنها در هویت‌یابی بسیار پررنگ و غیرقابل انکار شده است. در سطح تحلیل منطقه‌ای و نفوذ قدرت نرم ایران بر کشورهای هم‌جوار، جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های بالایی در این خصوص بهره‌مند است که می‌توان به تجزیه و تحلیل این بخش از قدرت نرم ایران در سطح منطقه و خاورمیانه پرداخت. بررسی میزان و چگونگی اثربخشی مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در منطقه نیز به منظور تعیین و افزایش گسترش اثربخشی این بعد از قدرت در کشورهای منطقه و خاورمیانه صورت می‌گیرد.

۱. تعریف مفاهیم

الف. هویت

فرآیند پاسخ‌گویی آگاهانه هر فرد یا قوم یا ملت به پرسش‌هایی از خود و گذشته خود است؛ اینکه که بوده، کجا بوده، چه بوده و چه هست؟ به عبارت دیگر متعلق به کدام قوم، ملت و نژاد است، خاستگاه اصلی و دایمی‌اش کجاست؟ دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و چه نقشی در توسعه تمدن جهانی داشته و امروزه صاحب چه جایگاه سیاسی - اقتصادی و فرهنگی در نظام جهانی است و بالاخره، ارزش‌های مهم از هویت تاریخی او تا چه حد در تحقق اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه مورد بحث کارساز خواهد بود.^۱ این حس تعلق، بنیادی ذاتی در وجود انسان دارد. برآورده شدن این نیاز، خودآگاهی فردی را در انسان سبب می‌شود و ارضای حس تعلق یک گروه انسانی، خودآگاهی جمعی و مشترک یا هویت قومی، تیره‌ای یا ملی آن گروه انسانی را تعیین می‌کند.^۲ هویت پدیده‌ای ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه از آنجا که جوامع انسانی در برخورد و تعاملات دایم با شرایط و تغییرات محیط طبیعی و از سوی دیگر در برخورد

و ارتباط مستمر با جوامع دیگر هستند، فرایند ناشی از تعاملات این دو روند در طول زمان تعیین کننده نسبی خصوصیات قومی، اجتماعی و ملی یک جامعه یا به عبارت دیگر، بیان کننده ویژگی ها و مشخصه های مشترک و خلاصه آنکه هویت جمعی آنهاست.^۳

ب. قدرت نرم

مهم ترین تعریف از قدرت نرم توسط جوزف نای، پژوهشگر برجسته آمریکایی، ارایه شده است. وی در ۱۹۹۰ در مقاله خویش در مجله سیاست خارجی در این خصوص نوشت: «قدرت نرم شیوه های برای رسیدن به نتایج دلخواه بدون تهدید و تشویق آشکار و ملموس است. بر این پایه یک کشور و حاکمیت می تواند به مقاصد مورد نظر خود برسد چون کشورهای دیگر ارزش های آن را می پذیرند و تحت تاثیر اندیشه و پیشرفت آن قرار می گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می شوند. در این مفهوم مهم ترین مساله، تنظیم دستورالعملی برای جذب دیگران است. بنابراین قدرت نرم کسب آنچه می خواهید از طریق جذب کردن است، نه از طریق اجبار و یا پاداش.»^۴

ج. دیپلماسی

دیپلماسی، هنر و فن اداره سیاست خارجی، تنظیم روابط بین المللی و حل و فصل اختلافات بین المللی از طریق شیوه های مسالمت آمیز تعریف می شود. همچنین می توان دیپلماسی را دانش ارتباط میان سیاستمداران و سران کشورهای جهان دانست. اقناع، مهم ترین ابزار و دستاورد دیپلماسی است.^۵ پیشنهاد پاداش و تهدید به مجازات نیز در بین ابزارهای دیپلماسی هستند. این پیشنهاد می تواند مستقیم و از راه کارگزاران سیاست خارجی و یا غیرمستقیم از راه رسانه ها و واسطه ها انجام پذیرد. دیپلماسی، وسیله ای است که سیاست خارجی با استفاده از آن، به جای جنگ، از راه توافق به هدف های خود می رسد و بر اساس این تعریف آغاز جنگ، شکست دیپلماسی است. هانس مورگنتا معتقد است که دیپلماسی، هنر مرتبط ساختن عناصر قدرت ملی به مؤثرترین شکل با آن دسته از ویژگی های شرایط بین المللی است که به منافع ملی مرتبط می شود. بر اساس تعریف وی دیپلماسی به عنوان تدوین کننده و مجری سیاست خارجی، مغز

متفکر قدرت ملی است. بر این اساس، دیپلماسی دارای چهار وظیفه اساسی است که شامل تعیین اهداف خود با توجه به قدرت بالفعل و بالقوه، ارزیابی اهداف سایر کشورها، تعیین میزان سازگاری این اهداف و به کارگیری ابزار مناسب برای دستیابی به اهداف خود می شود.

د. دیپلماسی فرهنگی

در ادبیات روابط بین الملل و سیاست خارجی تعاریف مختلفی از دیپلماسی فرهنگی ارایه شده است که تعاریف ذیل در زمره گویاترین این تعاریفند: فرانک نینکوویچ، دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم نامه ها و توافقاتی بر اساس ارزش های مشترک می داند.^۶ این در حالی است که بنا به تعریف گیفورد مالون، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از معماری یک بزرگراه دوطرفه، به منظور ایجاد کانال هایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزش های یک ملت و در عین حال، تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملت ها و فهم ارزش های آنها.^۷ سرانجام، در تعریف میلتن کامینگز، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله ایده ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنت ها و اعتقادات به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت ها و کشورها.^۸

با برداشتی تطبیقی از وجوه مشترک این تعاریف، می توان چنین نتیجه گرفت که دیپلماسی فرهنگی، روایت داستان یک تمدن برای صاحبان سایر تمدن ها با استفاده از ابزارهایی از جنس همان تمدن است؛ به عبارت دیگر، دیپلماسی فرهنگی آنگاه معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می کند که کشوری برای انتقال غنای نهفته در فرهنگ و تمدن خود با استفاده از سازوکارها و ابزارهایی از همان جنس به معرفی و انتقال آن به سایر ملل می پردازد و آن را سیاست خارجی خود لحاظ کند.

۲. رویکرد یا نظریه سازه انگاری

اگر سازه انگاری را یک چارچوب تحلیلی بدانیم، در آغاز باید به این بپردازیم که این چارچوب بر مبنای چه نوع معرفت شناسی و هستی شناسی شکل گرفته است.

الف. مبانی معرفت‌شناختی

تفکر سازه‌انگاری بر اساس این تلقی شکل گرفته که واقعیت را مستقل از ذهن نمی‌توان بررسی نمود و واقعیت امری بینادذهنی است و فاعلیت در شکل‌گیری آن نقش دارد. بنابراین، واقعیت سازه‌انگاران، یک واقعیت ساخته ذهن است و این ذهن به اجتماع هم ارتباط می‌یابد. پس یک سازه‌انگار وقتی وارد واقعیت سیاسی می‌شود که تمام واقعیت‌ها را ساخته شده می‌داند. به عبارت دیگر، سازه‌انگاری با نفی استقلال امر عینی از ذهنیت، امکان شناخت استعلایی، عام و رها از ارزش را رد می‌کند و در مقابل معتقد است که جهان در «ما» بر ساخته می‌شود و شناخت نیز حاصل انفعال ذهن است که از مشارکت فعالانه آن جهان به دست می‌آید. این ذهن نیز به نوبه خود امری تکوین نیافته است و در چارچوب جامعه، تاریخ و هویت خود جهان را می‌سازد و به شناخت دست می‌یابد.^۹

در چارچوب سازه‌انگاری، بیشتر روی دو عنصر تاکید می‌شود: ۱. باورها، که موجب به وجود آمدن معنا می‌شود؛ و ۲. دانش، که باعث ایجاد هنجار می‌گردد. در عین حال، باید توجه داشت باورها نیز می‌توانند در جریان فرایند معناسازی هنجارهایی را تولید کنند. در سازه‌انگاری، دانش خیلی هنجاری است و بر اساس یک سری ارزش‌ها شکل می‌گیرد و باور با معنا ارتباط می‌یابد. از نظر سازه‌انگاران، واقعیت امری در حال شکل‌گیری و حالت تاریخی دارد و نباید آن را مطلق در نظر گرفت. در تفکرات تجربی، نخست دانش و آنگاه ذهنیت انسان نسبت به جهان به وجود می‌آید، ولی در سازه‌انگاری، نخست ذهنیت انسان نسبت به جهان به وجود آمده و سپس دانش شکل می‌گیرد، بنابراین شناخت دانش به معنای بازنمایی صرف واقعیت است، بر این اساس دانش مطلق نیست و اساساً هیچ امر خالصی وجود ندارد.^{۱۰}

ب. مبانی هستی‌شناختی

سازه‌انگاری با ارتقای سطح بحث از معرفت‌شناختی (جریان غالب در مدرنیته) بحث را به هستی‌شناسی کشانده و تلقی ذات‌گرایانه از موجودیت جهان معرفت، انسان، اخلاق، قواعد و حقیقت را به مسأله‌ای برای اندیشیدن بدل می‌نماید و مایل است جهان و موجودیت‌های آن را

در حال «شدن» ببیند تا «بودن».^{۱۱} سابقه این نوع طرز تفکر به عصر روشنگری باز می‌گردد و به نحوی در اندیشه‌های فیخته و کانت بیان شده است. بنابراین از حیث هستی‌شناسی از ایده‌آلیسم در مقابل ماتریالیسم و از ذهنیت‌گرایی در مقابل عینیت‌گرایی دفاع می‌کند.^{۱۲}

در واقع در همین بعد هستی‌شناسانه است که توجه سازه‌انگاران عمدتاً بر انگاره‌ها، معانی، قواعد، رویه‌ها و هنجارها بوده و بر همین مبناست که به‌نظر آنها در واقع این نظام‌های معنایی هستند که تعیین‌کننده چگونگی تفسیر کنشگران از محیط می‌باشند.^{۱۳} بحث‌های هویت و ساختار - کارگزار از مباحث مهم در سطح هستی‌شناسی برای سازه‌انگاران، هستند:

- هویت: در رویکرد سازه‌انگاری سعی می‌شود مختصات فرهنگ، سیاست و جامعه داخلی که با هویت و رفتار دولت در سیاست جهانی ارتباط پیدا می‌کند، مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس این رویکرد، هر نوع هویت دولت در سیاست جهانی، تا اندازه‌ای برآیند عملکردهای اجتماعی است که باعث تشکیل هویت در داخل شده است. بدین ترتیب، سیاست هویت در داخل برای هویت و منافع و رفتارهای دولت در خارج امکانات و نیز محدودیت‌هایی را به‌وجود می‌آورد. از این رو دولت نیازمند است از طریق یک نوع هویت ملی در داخل، برای مشروعیت بخشیدن به اقتدار استخراجی که روی هویت آن در خارج تاثیر می‌گذارد، عمل کند.^{۱۴} برای سازه‌انگاران، سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی، و هویت‌های دولتی همراه با اینکه چگونه به منافع دولت‌ها شکل می‌دهند، مهم است. اینها نوعی جهان‌بینی ایجاد می‌کنند و بر الگوهای تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارند. نهادهای بین‌المللی، رژیم‌های بین‌المللی همچون رژیم‌های تسلیحاتی و حقوق بشر، کنشگران را به سمت بازتعریف منافع و حتی هویت‌هایشان سوق می‌دهند. هویت‌ها در سیاست بین‌الملل و جامعه داخلی از نقش مهمی برخوردارند. اگرچه مؤلفه‌های هویت در عرصه داخلی و بین‌المللی فرق دارد، حداقل نظم و پیش‌بینی‌پذیری را ممکن می‌سازند؛ جهان بدون هویت‌ها، جهان هرج و مرج، غیرقابل تحمل و جهانی بسیار خطرناک‌تر از دوره آنارشی خواهد بود.^{۱۵}

سازه‌انگاران برای توضیح چگونگی شکل‌گیری منافع، بر هویت‌های اجتماعی بازیگران - اعم از افراد و کشورها - تاکید می‌ورزند. از نگاه آنها منافع ناشی از روابط اجتماعی است و نمی‌توان به شکل ماقبل اجتماعی از منافع سخن گفت. هویت‌ها تجسم شرایط فردی هستند که کارگزاران از

طریق آنها با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند، از آنجا که این شرایط باعث می‌شود کنشگران خود را ملزم در وضعیت‌های خاص ببینند، به نحوی منافع آنها را تعریف می‌کنند.^{۱۶} در مجموع به نظر سازه‌انگاران هویت امری است اجتماعی؛ به این معنا که در ساختن خود، دیگری هم ساخته می‌شود. بنابراین هویت سیال است. برای همین است که در نگاه آنان، برداشت کنشگران از خود، منافع و اهدافشان تغییرپذیر می‌باشد و به تبع شکل‌گیری یک هویت جدید، منافع جدید هم برای یک دولت مطرح می‌شود.^{۱۷}

- ساختار - کارگزار: نایجر وود، در این زمینه معتقد است، مکتب سازه‌انگاری مکتبی است که تحول در روابط بین‌الملل را بر اساس تعامل میان سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی یک کشور به وجود آورده است.^{۱۸} بر این اساس، مکتب سازه‌انگاری در حقیقت پل ارتباطی میان داخل و خارج مرزهای کشورهای مختلف بوده که ضمن هماهنگ‌سازی شرایط درونی با بیرونی، در تلاش است نوعی هم‌خوانی عقلانی و منطقی در عملکرد جامعه بین‌المللی ایجاد کند که با همان شرایط در تعامل مداوم قرار گرفته باشد. با چنین تفسیری از مکتب سازه‌انگاری، می‌توان گفتمان سازه‌انگاری را گفتمانی دانست که نه تنها تکیه بر منافع داخلی دارد و ساختارها و عوامل مؤثر خود را بر اساس منافع ملی و مردمی طراحی می‌کند، بلکه برای هماهنگی و هم‌نواختی با جامعه بین‌المللی، منافع و ساختارهای بین‌المللی را برای ایجاد تعادل و وصول به مرحله تعامل متوازن مورد توجه قرار می‌دهد.^{۱۹}

بنابراین سازه‌انگاری در بعد هستی‌شناختی تا حدی به موضع پس‌اساختارگرایان در این مورد که باید دوگانه‌سازی‌های حاکم بر اندیشه غربی را کنار گذاشت و یا تغییر داد، موافق است.^{۲۰} در این رهیافت، ساختارهای اجتماعی نتیجه پیامدهای خواسته و ناخواسته کنش‌های انسانی هستند که با تعامل پایدار ایجاد می‌شوند و کنشگران براساس آنها هویت‌ها و منافع خود را تعریف می‌کنند.^{۲۱} به اعتقاد سازه‌انگاران، ساختار و کارگزار به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند و ساختارهای اجتماعی نتیجه پیامدهای کنش انسانی هستند. با این حال باید در نظر داشت که در چارچوب نگرش‌های دو انگار نقش ساختار به کنش ساختار تقلیل پیدا می‌کند و یا بر عکس فاعلیت کارگزاران به نقش ساختار تقلیل می‌یابد. در این حالت‌ها پژوهشگر قادر نخواهد بود

درهم‌تنیدگی عوامل کارگزارانه و ساختاری را به درستی تحلیل کند اعمال دیدگاه ساختار - کارگزار در خصوص سازهانگاری به این معنا خواهد بود که سازه‌های روابط بین‌الملل دیگر نه بر ساخته عوامل عینی و ساختاری محض و نه بر ساخته عوامل ذهنی و تفسیری محض تصور نخواهند شد، بلکه عملکرد روابط بین‌الملل منتج از درهم‌تنیدگی عوامل ساختاری و کنشی دانسته می‌شود و عوامل کنشی و ساختاری تنها به صورت تحلیلی از یکدیگر قابل تفکیک خواهند بود.

در یک جمع‌بندی از نظریه سازهانگاری، می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌ها و مفاهیم اصلی آن را در هفت مفهوم خلاصه کرد: ۱. ساختار؛ ۲. عامل؛ ۳. تعامل اجتماعی؛ ۴. تعامل میان سیاست داخلی و سیاست بین‌الملل؛ ۵. هویت؛ ۶. منافع ملی؛ و ۷. پیشرفت.

هر یک از موارد مذکور اهمیت ویژه‌ای در نظریه سازهانگاری دارد، اما پایه اصلی و محور اساسی آن در مفهوم «تعامل» واقعی نهفته است که بدون آن در حقیقت، اصل این نظریه متزلزل می‌گردد. از طرف دیگر، ساختارها و عوامل مؤثر در یک کشور اعم از دولتی و مردمی، در شرایطی می‌توانند به شکل کامل با ساختارها و عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی تعامل مطلوب را داشته باشند که سه اصل اعتماد متقابل، تفاهم متقابل و توانایی متقابل در آنها تحقق یافته باشد.^{۲۲} نگاهی به ایده‌های اساسی نظریه سازهانگاری در زمینه مقوله «هویت» می‌تواند جهت‌گیری اصلی این مقاله را کاملاً روشن سازد. بر اساس نظریه سازهانگاری، تعامل میان سیاست داخلی و سیاست بین‌الملل می‌تواند به خلق فضای جدید جامعه بین‌المللی بیانجامد که نه تنها در این فضا هویت جدیدی ترسیم می‌گردد، بلکه منافع جدیدی در رابطه با همان هویت متولد می‌شود.

با توجه به این توضیحات، در ادامه تلاش می‌کنیم دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه را بر اساس رویکرد سازه‌انگاری تشریح نماییم.

۳. قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه

به نظر می‌رسد با وقوع تحولات جدید سیاسی - امنیتی و ژئوپلیتیک، ساخت قدرت و سیاست در خاورمیانه به نفع ایران تغییر یافته باشد. افزایش نقش و اثرگذاری ایران در خاورمیانه پس از حوادث یازده سپتامبر و بحران عراق، در درجه اول به افزایش روزافزون اهمیت مسایل

خاورمیانه در نظام امنیت بین‌الملل باز می‌گردد به همین نسبت و در درجه دوم، ایران به دلیل برخورداری از یک رشته ویژگی‌های طبیعی ژئوپلیتیک از یک سو و مؤلفه‌های فرهنگی، مذهبی و تاریخی قدرت نرم و سیاست از سوی دیگر، به عنوان مهم‌ترین کشور اثرگذار بر مسایل منطقه و خاورمیانه حایز اهمیت می‌گردد.^{۲۳} اندکی تأمل و بررسی، گویای این واقعیت است که نفوذ معنوی و جایگاه منطقه‌ای ایران به نحوی است که کشورهای منطقه و حتی فرمانطقه‌ای مجبور به پذیرش آن هستند. به عبارت دیگر، مقامات کشورهای منطقه و حتی آمریکا به این دیدگاه واحد رسیده‌اند که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باید از طریق قدرت و تهدیدات نرم آنها کنترل و مدیریت گردد. در این راستا تلاش‌های اوپاما پس از حضور در کاخ سفید بر مبنای همین راهبرد، تدوین و در حال اجراست.^{۲۴} شواهد عینی نشان می‌دهد که موقعیت معنوی و فرهنگی و به اصطلاح قدرت نرم ایران در منطقه رو به فزونی نهاده و در حال تبدیل شدن به یک قطب فرهنگی مؤثر در منطقه است. ایران، زمینه‌ها و شرایط لازم برای کسب قدرت معنوی و ارتقای نصاب محبوبیت خود در میان کشورهای منطقه را فراهم آورده است.^{۲۵} دیپلماسی فعال ایران در چند سال اخیر به اتخاذ احیا و تثبیت سیاست‌های خاصی دامن زده است که در مجموع می‌تواند تصویرسازی مثبت از آن در افکار عمومی بین‌المللی و منطقه‌ای و زدودن برخی ابهامات، و در یک کلام هژمونی فرهنگی کمک شایانی کند.^{۲۶} در سال‌های پس از اشغال عراق نیز سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران که به‌طور عمده بر پایه مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت قرار داشته، در راستای حمایت از وحدت و یک‌پارچگی این کشور بوده است. سفرهای مکرر رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، فعالان سیاسی و حزبی و ده‌ها تن از اعضای کابینه عراق به تهران و برعکس را می‌توان آغاز دوره‌ای جدید در روابط دوجانبه دانست. با آگاهی از این واقعیت‌ها، جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پس از سقوط صدام تلاش داشته با استفاده از منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم بر تحولات این کشور همسایه اثرگذار باشد این راهبرد بر مبنای تلقی ایران از عراق جدید به عنوان کشوری است که از نظر تاریخی و فرهنگی و ژئوپلیتیکی و با برجسته ساختن اشتراکات تاریخی، دو کشور را به مثابه یک حوزه تمدنی تلقی کند.^{۲۷} در واقع، ایران از این طریق در صدد برآمده است از مؤلفه‌های قدرت نرم برای اثرگذاری بر تحولات عراق به‌طور اخص و معادلات منطقه به‌طور اعم استفاده کند.

الف. مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در منطقه

در عصر جدید، دیدگاه شهروندان دیگر کشورها باعث تضعیف و یا تقویت موقعیت قدرت‌ها در روابط بین‌الملل خواهد گردید. در این میان، نظر کشورهای همسایه و نوع نگاه آنها بر سیاست‌ها و مواضع قدرت‌ها، مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر از سایر کشورهاست. قدرت نرم ایران در اسلام، فرهنگ، تاریخ، تمدن، زبان فارسی، ارزش‌های مردم‌سالارانه، مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم و مواردی از این دست، ریشه دارد. حفظ و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، نیازمند شناخت و به کار بستن منابع نرم‌افزاری قدرت خود در سایر کشورها و جوامع با توجه به زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هر یک از کشورهای هدف است. ایران در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به خوبی توانست از قدرت نرم خود در منطقه و جهان بهره‌برد، به‌ویژه که رسالت انقلاب اسلامی، فرهنگی بود و با شعارها و ویژگی‌های مشخص اسلامی - مردمی، در منطقه و جهان معرفی شد و توانست در میان بسیاری از مردم کشورهای مختلف از جمله کشورهای اسلامی طرفدارانی داشته باشد از جمله مهم‌ترین این شعارها تشکیل حکومت بر مبنای باورهای دینی و مردم‌سالاری دینی، در چارچوب فکری امام خمینی(ره) است. گفتمان رهبری انقلاب در منطقه و جهان مورد توجه قرار گرفت و از نظر فکری و مبانی ایدئولوژیک، بسیاری از مردم و جنبش‌های آزادی‌طلبانه را تحت تاثیر قرار داده است. از آنجا که گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر اخلاق تاکید دارد، در این حالت از توان جذب‌کننده‌ای برخوردار است و می‌تواند از طریق دیپلماسی فرهنگی، قدرت نرم ایران را تقویت نماید.^{۲۸}

با وجود این تجربه موفق، ایران در سال‌های بعدی نتوانست بهره‌مورد انتظار را از قدرت نرم خود ببرد. در این رابطه یکی از مهم‌ترین دلایل، مشکلات ناشی از جنگ با عراق بود که موجب شد مهم‌ترین اولویت ایران، دفاع از سرزمین خود باشد. با این حال در سال‌های پس از جنگ نیز همچنان به دلیل شرایط منطقه، سیاست‌های امنیتی و تقویت توان نظامی ایران و قدرت سخت در اولویت قرار داشته است، در حالی که در دوران کنونی، منابع قدرت نرم ایران می‌تواند در کنار دیگر منابع قدرت همچون توان اقتصادی، امنیتی و نظامی، در خدمت منافع ملی قرار گیرد. اهمیت بهره‌گیری از مؤلفه‌های قدرت نرم در چارچوب دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه و

جهان به حدی است که می‌تواند به کاهش تاثیر تبلیغات منفی برخی از کشورها و رسانه‌ها که در سال‌های اخیر علیه ایران به وجود آمده است، کمک کند. نظام جمهوری اسلامی ایران، به صورت بالقوه بسیاری از ابزارهای قدرت نرم یک تمدن عظیم ایرانی-اسلامی را داراست و در سه دهه گذشته برخی از آنها را تعریف (گاهی نیز بازتعریف) و مورد بهره‌برداری قرار داده است. به‌طور کلی می‌توان منابع قدرت نرم ایران در کشورهای منطقه و خاورمیانه را به موارد زیر تقسیم کرد و مورد بررسی قرار داد:

۱. انقلاب اسلامی؛ احیای گفتمان‌های هویت‌بخش

تعامل و تلاقی هنجارها در آستانه انقلاب اسلامی به ظهور هویت متشخصی در ایران منتهی شد که عنوان «اسلامی» معرف آن است. با شکل‌گیری و ظهور هویت جدید در قالب جمهوری اسلامی ایران، چگونگی نگرش درباره قدرت و تحولات سیاسی در روابط بین‌الملل به شدت دچار تغییر و تحول شد و انگاره‌های مادی برای تحلیل سیاست خارجی در تنگنا قرار گرفتند. در واقع در سیمای جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «دیانت» با «سیاست و قدرت» پیوند فاختری پیدا کردند که با کاربست ادبیات سازه‌انگاری می‌توان به اهمیت و نقش مستقل انگاره‌های دینی و هویتی اذعان نمود. در امتداد این روند، انقلاب اسلامی ضمن پیوند نزدیک با مدارهای هویتی نزدیک، تئوری‌های قدرت در معادلات حکومت جهانی را به چالش کشید و در برآیند کلی و بیرونی، به منزله طرح نوینی تلقی شد که فراتر از فضای شیعی، الهام‌بخش معنوی ملت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش، به‌ویژه در جوامع مسلمان شد و به تبع آن دین اسلام از حاشیه سیاست‌ها و معادلات بین‌المللی خارج شده و در مرکز فضای ذهنی دنیای معاصر نشست. این فرآیند نشان می‌دهد هویت‌ها همان‌گونه که سازه‌انگاران تاکید کرده‌اند، صرفاً مقوله‌ای فلسفی یا جامعه‌شناختی نیستند، بلکه متغیری تعیین‌کننده در نحوه تعامل واحدهای سیاسی با یکدیگر بوده و ارتباط مستقیمی با قدرت دارند.^{۲۹} این تلقی سازه‌انگانه از جایگاه و تاثیر هنجارهای دینی، امروزه به‌طور خاص، منزلت ایدئولوژیک ایران به‌ویژه در سطح افکار عمومی منطقه و الگودهی به جنبش‌های اسلام‌گرا را توضیح می‌دهد. در واقع کارکرد اجتماعی دین و هویت جدید جمهوری

اسلامی ایران را می‌توان به تعبیر گاکسینی همان «تکوین واقعیت اجتماعی در طول زمان» نامید که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تبلور یافته و اصولی را به خود اختصاص داده است.^{۳۰} بنابراین برخلاف جریان اصلی در روابط بین‌الملل که هویت کنشگران را در نظام بین‌الملل مفروض و ایستا فرض می‌کند، هویت کنشگران به تعبیر سازه‌انگاری، «ساخته» می‌شود. با این «ساخت» است که منافع ملی و همچنین هویت و کنش‌های کنشگران شکل می‌گیرد. از این منظر گفته می‌شود کنشگران، قائم به شکل اجتماعی بوده و هویت آنها محصول ساختارهای اجتماعی بین‌الذهانی است.^{۳۱} یکی از مهم‌ترین نتایج توجه به هویت، احیای تفاوت‌ها میان دولت‌هاست؛ یعنی واحدهای سیاسی عملاً در سیاست جهان در چهره بازیگران مختلفی جلوه‌گر می‌شوند و دولت‌های گوناگون بر اساس هویت‌های هر یک از دولت‌های دیگر، رفتار متفاوتی در قبال آنها دارند.^{۳۲} در عین حال هویت اصلی جمهوری اسلامی ایران، هویت دینی است و در یک کلمه، صفت «اسلامی» جمهوری اسلامی ایران، معرف مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای دینی است که تعیین‌کننده منافع و اهداف و چگونگی هدایت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.^{۳۳} بزرگ‌ترین نوآوری انقلاب اسلامی را می‌توان احیای گفتمان‌هایی دانست که در بطن و ذات دین اسلام وجود داشته است، اما از سوی کشورهای جهان اسلام به محاق فراموشی سپرده شده بود؛ گفتمان‌های هویت‌بخشی که به کشورهای جهان اسلام و مستضعفان عالم، قدرت و جسارت عرض اندام در مقابل قدرت‌های استکباری می‌داد. از شگردهای نفوذ قدرت‌های برتر در میان کشورهای اسلامی و استیلای بر آنها، القای برتری فرهنگی غرب و از خودبیگانگی فرهنگی مسلمانان و در نهایت استحاله فرهنگ خودی و پذیرش بی‌چون و چرای فرهنگ غربی بوده است. آنان به‌خوبی دریافته‌اند که با استحاله فرهنگ دینی و اسلامی، نه تنها راه برای تسلط فرهنگ بیگانه و استیلای فرهنگی آنان فراهم می‌گردد، بلکه تسلط نظامی و اقتصادی نیز به واسطه تهی کردن فرهنگی کشورها امکان‌پذیر است. از این رو انقلاب اسلامی درصدد آن بوده تا با زنده کردن اسلام و قوانین آن در کشور و الگو بخشی برای کشورهای منطقه و جهان اسلام، آنان را به بازیابی هویت‌بخش فرا خواند تا در پرتو آن از سیطره بی‌چون و چرای بیگانگان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی جلوگیری به عمل آورد.

انقلاب اسلامی ایران با تاکید بر قدرت نرم‌افزاری فرهنگ و تفکر و نیز تفوق اندیشه‌ورزی بر ابزارانگاری، نوعی حرکت فکری و فرهنگی را رقم زد که بر استقلال فکری و فرهنگی ملت‌های مسلمان استوار بود. چنین انقلابی که خودکفایی و خوداتکایی علمی بدون وابستگی به قدرت‌های خارجی را ترویج می‌کرد، موجد نوعی جنبش نرم‌افزاری و تولید علم در جهان اسلام شد که بر حفظ فرهنگ بومی در عین بهره‌گیری از دستاوردهای فناوری به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی روز تاکید می‌ورزد. انقلاب اسلامی توانست با نشان دادن ظرفیت تمدن اسلامی به عنوان تمدنی جامع و چندبعدی در عرصه‌های دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی و نیز بازسازی تمدنی بر اساس غرب‌پژوهی و بومی‌گرایی، طلایه‌دار گفتمان‌های جدید تعاملی و تبادلی در عرصه‌های علم، دانش، فناوری و اندیشه باشد. انقلاب اسلامی در عصر انقلاب ارتباطات و هم‌زمان با رشد شبکه‌های فراملی، موجب بازسازی فکری تمدن اسلامی گردید که بر ویژگی‌هایی از قبیل فراگیرندگی، چندمرکزی و مداومت و پویایی استوار بود. احترام به آزادی فکر و اندیشه هم‌زمان با افزایش اهمیت سیاسی دین در روابط بین‌الملل، موجب افزایش تعامل و مراودات علمی میان حوزه‌های علمیه از یک سو، و نیز میان استادان و روحانیون از سوی دیگر گردید. افزایش روحیه انقلابی‌گری در دانشگاه‌های کشورهای اسلامی و ارتقای اهمیت و نقش دانشجویان، موجبات افزایش تعاملات فکری و فرهنگی دانش‌پژوهان را فراهم آورد. رشد معنویت‌گرایی، افزایش گرایش و دلبستگی مردم به معنویات و توسعه فرهنگ دینی در کشورهای اسلامی، هم‌زمان با گسترش موج اسلام‌خواهی و اسلام‌گرایی و احیا و نهادینه‌سازی ارزش‌های معنوی و اسلامی، موجب اعطای هویت اخلاقی، معرفتی و معنوی به جوامع مسلمان گردید. بیداری اسلامی و هویت‌یابی کشورهای اسلامی به واسطه پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفت. انقلاب اسلامی در اعطای افتخار و ایجاد اعتماد به نفس مسلمانان چه سنی و چه شیعه بدون توجه به ملیت و یا تمایلات سیاسی آنها نقش داشته و توانایی اسلام را برای رهبری مردم سرکوب شده جهت مقابله با استعمار خارجی مشخص کرده است. با پیروزی انقلاب، عزت و هویت اسلامی در میان ملت‌های منطقه ایجاد شد. این احساس هویت نه فقط شیعیان، بلکه حتی طرفداران اهل سنت را نیز در بر می‌گرفت؛ چرا که پیام امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، یک پیام فراگیر و جهانی و مبتنی بر آموزه‌های ناب و گرانقدر اسلامی بود.^{۳۴}

۲. اسلام مبتنی بر معارف قرآن و مودت اهل بیت (ع)

مؤلفه‌ای که به صورت بالقوه از عوامل مهم هویتی در افزایش قدرت نرم ایران است، عامل ارزش‌های اسلامی و شیعی است. بعد از ورود اسلام به ایران و پذیرش آن توسط ایرانیان و تلفیق عناصر سازنده و مثبت فرهنگ ملی با آن، فرهنگ و هویت تازه‌ای به نام فرهنگ ایرانی - اسلامی خلق شد. این فرهنگ پویا و قوی پشتوانه اتحاد داخلی و هویت‌بخشی به سرزمین ایران و دیگر کشورهای منطقه و خاورمیانه بوده است. این مؤلفه را همچنین می‌توان در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به خوبی مشاهده کرد. تاثیر و نفوذ ایران در این هنگام بر کشورهای مسلمان منطقه به حدی بود که می‌توان آن را از جمله شواهد مهم در اوج‌گیری نفوذ و اثرگذاری ایران بر افکار عمومی خارجی دانست که حتی در برخی از مردم و گروه‌های کشورهای منطقه، ایران را الگویی قابل قبول در پیشبرد اهداف اسلامی تلقی می‌کردند.^{۳۵} بدیهی است که مؤلفه تشیع و ارتباط ایران با شیعیان منطقه و به‌خصوص کشورهای عراق و سوریه نیز یکی دیگر از توانمندی‌های ایران در عرصه قدرت نرم است. با این حال، در این مورد برنامه‌ریزی و جهت‌گیری‌های ایران باید به گونه‌ای باشد که موجب حساسیت کشورهای اسلامی اهل سنت منطقه خاورمیانه نشود. این مساله را می‌توان در اظهارات ملک عبدالله پادشاه اردن مشاهده کرد که ایران را برای کشورهای سنی خاورمیانه تهدید تلقی می‌کند و تاکید دارد ایران به دنبال ایجاد هلال شیعی علیه دیگر کشورهاست.^{۳۶} ۹۲/۹۶ درصد از جمعیت خاورمیانه مسلمان و ۱۸/۹۴ درصد آنها نیز دارای مذهب تشیع می‌باشند^{۳۷} که از این لحاظ، بیشترین هم‌گرایی را در میان مناطق مختلف ژئوپلیتیکی با جمهوری اسلامی ایران دارد. جمهوری اسلامی ایران با داشتن بیش از ۷۰ میلیون نفر مسلمان (۹۸ درصد) که از این میزان، ۸۹ درصد شیعه و ۹ درصد سنی هستند، یکی از کشورهای بزرگ، پرجمعیت و اثرگذار اسلامی است. در این میان، منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه با حضور ۱۵ کشور، بیشترین قرابت مذهبی را با جمهوری اسلامی ایران داراست. دسته‌بندی اطلاعات مربوط به تعداد مسلمانان کشورهای مختلف جهان و درصد مسلمانان از کل جمعیت هر کشور که از طریق پایگاه داده‌های مراکز مطالعاتی منطقه‌ای و جهانی گردآوری شده است، تعداد مسلمانان هر منطقه را به شرح ذیل نشان می‌دهد:

خاورمیانه: ۲۵۷/۲۲۵/۵۰۰ نفر؛ آسیا- پاسیفیک: ۸۹۹/۶۴۵/۹۰۰۰ نفر؛ اوراسیای مرکزی: ۱۱۰/۴۳۸/۶۰۰ نفر؛ اروپا: ۲۳/۶۶۰/۰۰۰ نفر؛ آفریقا: ۴۱۹/۷۴۰/۰۰۰ نفر؛ آمریکای شمالی: ۷/۴۰۰/۰۰۰ نفر؛ آمریکای لاتین: ۲/۷۹۰/۰۰۰ نفر.^{۳۸} حال با توجه به کل جمعیت هر منطقه، درصد مطلق مسلمانان به تفکیک مناطق ژئوپلیتیکی بدین ترتیب است: خاورمیانه ۹۲/۹۶ درصد، آسیا - پاسیفیک ۲۴/۸۳ درصد، اوراسیای مرکزی ۴۳/۸۴ درصد، اروپا ۴/۰۲ درصد، آفریقا ۴۹/۵۱ درصد، آمریکای شمالی ۱/۶۸ درصد، و آمریکای لاتین ۰/۵۷ درصد.

ایران همچنین مهد تشیع است. شیعیان حدود ۱۶ درصد از کل جمعیت مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهند. گردآوری اطلاعات موجود از جمعیت شیعه هر یک از کشورها، تعداد شیعیان هر یک از مناطق ژئوپلیتیکی را چنین مشخص می‌کند: خاورمیانه: ۵۲/۴۰۰/۰۰۰ نفر؛ آسیا - پاسیفیک: ۸۱/۱۹۲/۰۰۰ نفر؛ اوراسیای مرکزی: ۱۹/۵۰۰/۰۰۰ نفر؛ اروپا: ۲/۳۵۰/۰۰۰ نفر؛ آفریقا: ۱۲/۴۵۰/۰۰۰ نفر؛ آمریکای شمالی: ۹۸۵ هزار نفر؛ آمریکای لاتین: ۴۲۵ هزار نفر.^{۳۹} با توجه به کل جمعیت هر منطقه، درصد مطلق شیعیان به تفکیک مناطق ژئوپلیتیکی بدین ترتیب است: خاورمیانه ۱۸/۹۴ درصد، آسیا - پاسیفیک ۲/۲۴ درصد، اوراسیای مرکزی ۷/۷۴ درصد، اروپا ۰/۴ درصد، آفریقا ۱/۴۷ درصد، آمریکای شمالی ۰/۲۲ درصد، و آمریکای لاتین ۰/۰۹ درصد.

حضور بیش از ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر مسلمان و ۲۰۰ هزار نفر شیعه در خارج از مرزهای کشور، فرصتی است برای جمهوری اسلامی ایران تا با بهره‌گیری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های هم‌کیشان و هم‌آیین‌های خود در سرتاسر جهان، بر قدرت نرم خود بیفزاید. همچنین از آنجا که ورود اسلام به ایران از یک جهت مهر تاییدی بر فردیت عارفانه و تساهل جمعی گذاشت^{۴۰} و از سوی دیگر رهبران دینی ندای عدالت، حاکمیت، مالکیت جامعه و آزادی از فقر و ستم سر دادند،^{۴۱} تاکید بر چنین جنبه‌هایی از دین اسلام و مذهب تشیع، می‌تواند منبعی مهم و اثرگذار برای قدرت نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران به مثابه ام‌القرای اسلام و کانون تشیع به شمار آید.

۳. زبان و ادبیات فارسی

زبان فارسی نیز با اینکه یکی از ارکان اصلی هویت ایرانی است و بعد از انقلاب مشروطه به

عنوان زبان ملی ایران تبلیغ و شناخته شده است، هویتی بسیار فراتر از فلات ایران دارد. زبان فارسی و دورنمای تاریخی و گسترش آن را می‌توان در بیرون مرزها و در سرزمین‌هایی چون شبه‌جزیره بالکان، شبه‌قاره هند، اسپانیا، ارمنستان و آسیای میانه بازاندیشی کرد. خاستگاه هم‌گونی‌های واژگانی و ساختاری زبان فارسی با دیگر زبان‌ها و گسترش زبان فارسی در کشورهای چون هند، پاکستان، ترکیه، بوسنی و هرزگوین، آلبانی، صربستان، کرواسی، مونته‌نگرو و مقدونیه را می‌توان از دیدگاه‌های تاریخ طبیعی و تاریخ اجتماعی بررسی کرد.

هم‌اکنون فارسی، زبان رسمی ایران و تاجیکستان و یکی از زبان‌های رسمی افغانستان است. زبان فارسی، گویشورانی نیز در هندوستان و پاکستان دارد. با وجود اینکه فارسی در حال حاضر زبان رسمی پاکستان نیست، اما پیش از استعمار انگلیس، زبان رسمی و فرهنگی شبه‌قاره هند در زمان امپراتوری مغول بوده است. همچنین به این علت که ایران و افغانستان مهاجران فراوانی داشته‌اند که در کشورهای گوناگون پراکنده شده‌اند، این زبان را از لس‌آنجلس گرفته تا توکیو می‌توان شنید. در مجموع، زبان فارسی در کشورهای خاورمیانه ۲/۲۰۰/۰۰۰ نفر، در آسیا - پاسیفیک ۱/۱۰۰/۰۰۰ نفر، در اوراسیای مرکزی ۳۵ میلیون نفر، در اروپا ۳۰۰ هزار نفر، در آفریقا ۱۸ هزار نفر، در آمریکای شمالی ۲/۴۰۰/۰۰۰ نفر و در آمریکای لاتین ۵ هزار نفر سخنور دارد.^{۴۲} بدین ترتیب، درصد جمعیت فارسی‌زبانان مناطق ژئوپلیتیکی جهان با توجه به کل جمعیت هر منطقه عبارت است از: خاورمیانه ۰/۷۹ درصد، آسیا - پاسیفیک ۰/۰۳ درصد، اوراسیای مرکزی ۱۳/۸۹ درصد، اروپا ۰/۰۵ درصد، آفریقا ۰/۰۲ درصد، آمریکای شمالی ۰/۵۴ درصد، و آمریکای لاتین ۰/۰۰۱ درصد.

زبان و ادبیات فارسی، آینه تمام‌نمای هویت ملی ایران است. ادبیات و زبان فارسی به‌ویژه شعر فارسی عنصر اصلی و پایدار فرهنگ ایرانی است. در جهان امروز نیز ادبیات فارسی ارمغانی بس گرانبها و پرجاذبه و کالایی پرمشتری است. امروزه نه تنها در سازمان ملل متحد، بلکه اتفاقاً در اوج دوره مدرن و سورئال و پست مدرن و رئالیسم جادویی، زبان مولوی، نظامی، عطار و عین‌القضات کم‌کم دارد بهتر فهمیده می‌شود و دنیای کنونی بیش از هر زمان دیگری نیاز خود را به این گنجینه سرشار از معنویت و هویت درک نموده است.^{۴۳}

۴. عدالت، بیدادستیزی، دادگری و برابری

هویت ایرانی در برگرفته مساله عدل و عدالت است. اهمیت عدالت به دلیل سابقه ایده و فکر عدل در هویت ایرانی است؛ به این معنی که ایرانیان باید شکل‌گیری هویت ملی خود را در طول تاریخ، در عدالت‌جویی خود جستجو کنند. کشور ایران شیعه است و عدل از اصول دین اوست و راه ظهور عدل نیز از حاکمیت قانون و تساوی انسان‌ها در برابر آن می‌گذرد. عدل نه تنها از اصول دین، بلکه از اصول هویت ملی ایرانیان به حساب می‌آید.^{۴۴}

عدالت، بیدادستیزی، دادگری و برابری به عنوان چهار مفهوم تاریخی شیوه ایرانی اداره امور سیاسی جامعه، از جمله نیازهای واقعی جهان امروز قلمداد می‌شوند. ایرانیان با سابقه درخشان خود در عرصه عدالت‌گستری اکنون با حرکت در مسیر مردم‌سالاری دینی و تبدیل این موضع به یک سنت، می‌توانند الگوی موفق در ارایه مفاهیم و راهکارهای اجرایی گسترش دادگری و بیدادستیزی در جهان تشنه عدل و عدالت باشند. نفوذ و محبوبیتی که از این طریق نصیب ایران خواهد شد، از جمله بزرگ‌ترین سرمایه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.^{۴۵}

۵. مردم‌سالاری

در حالی که در سرآغاز قرن بیستم هنوز هیچ ملتی در سراسر آسیا با مدرنیته آشنایی نداشته و از هوشیاری ضروری برای مردم‌سالاری در این بخش از جهان برخوردار نبود، ایرانیان با دست زدن به انقلاب مشروطه، حرکت به سوی مردم‌سالاری را بنیاد نهادند و گام در راهی گذاشتند که سرمنزلش نمی‌توانست جز واقعیت یافتن یک دموکراسی بومی و دینی در ایران باشد. در دنیای مدرن، برابری و دادگری در نتیجه حاکمیت مطلق قانون در جامعه واقعیت می‌یابد و مردم‌سالاری جز حاکمیت مطلق قانون نیست؛ همان‌گونه که ایرانیان در آستانه انقلاب مشروطیت و روی آوردن به اندیشه‌های نوین مردم‌سالاری، بیش از هر چیز، خواستار تاسیس عدالت‌خانه یا دادگستری بودند. ایرانیان دوران انقلاب اسلامی در پی دسترسی به عدالت و دادگری از راه حاکمیت قانون، خواهان شکل‌گیری هویت سیاسی نوین و رسیدن به برابری‌های قانونی در یک نظام مردم‌سالارانه واقعی هستند.^{۴۶}

مردم‌سالاری میراث خاص غرب نیست، مردم‌سالاری در واقع میراث مشترک بشری است. ایرانیان نیز در شکل‌گیری این پدیده هویتی نقش مهمی بر عهده داشته‌اند. نقشی را که ایران در این مسیر بازی کرد، افزودن فکر عدالت به مردم‌سالاری بوده است.^{۴۷} با وجود این، مردم‌سالاری در حال ظهور در ایران نوعی مردم‌سالاری دینی است که ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم در چارچوب مقررات الهی استوار بوده و در راستای حق‌مداری، خدمت محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی، ایفای نقش می‌کند. در نظام مردم‌سالاری دینی، نظام سیاسی بر دو رکن الهی و انسانی استوار است و این نظام با در نظر داشتن اصول اعتقادی اسلام، رابطه مردم و حکومت را تبیین می‌کند.^{۴۸}

ترویج الگوی مردم‌سالاری دینی از سوی جمهوری اسلامی در جهان، موجب توسعه فرهنگ تعامل مدار مبتنی بر اهتمام دولت‌ها به خواسته مردم برای ایجاد جامعه بشری متناسب با فطرت انسانی شده است. این امر با احیای ضرورت پیوند و ارتباط وثیق میان مردم و دولت‌ها، گرایش به مذهب به‌مثابه مبنای حکومت مردمی را تقویت نموده و نیز حکومت‌هایی را تشویق می‌کند که بر اجرای اصول شریعت و تحقق عدالت اجتماعی تاکید می‌ورزند. از این رو، اجرای صحیح الگوی مردم‌سالاری دینی، اشتیاق جهانیان و به‌ویژه ملت‌های مسلمان به نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌الملل را افزایش داده و از این طریق، جمهوری اسلامی ایران توان متقاعدسازی دیگر ملل را از زاویه توانایی شکل‌دهی به ترجیحات و اولویت‌های آنان به‌دست خواهد آورد؛ موضوعی که جایگاه قدرت نرم را در فرایند استقرار بنیان‌های انقلاب اسلامی ایران آشکار می‌سازد.

۶ سرزمین مشترک و جغرافیای ایران

موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز سرزمین ایران به عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و قوام هویت ملی ایرانیان سبب شده این کشور در طول تاریخ در عرصه سیاست خارجی خود تعاملات متعدد، گسترده و اغلب مسالمت‌آمیزی با اقوام دور و نزدیک داشته باشد.

سرزمین ایران همچنین مأمن و مأوای اقوام و طوایف گوناگونی بوده که در طول تاریخ در کمال صلح و آرامش در کنار یکدیگر زندگی می‌کرده‌اند. امروزه نیز سرزمین ایران میزبان

بسیاری از مهاجران و پناهندگان به‌ویژه از کشورهای همسایه است. بر اساس تخمین سال ۲۰۰۵ کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، ایران میزبان سومین جمعیت پناهنده بزرگ در جهان بوده است (۳ میلیون نفر). افغانستان (۸۰ درصد)، عراق (۱۸ درصد)، پاکستان (۱ درصد)، آذربایجان (۲۵/۰ درصد)، ترکیه (۲۵/۰ درصد)، ارمنستان (۲۵/۰ درصد)، و ترکمنستان (۲۵/۰ درصد)، بیشترین تعداد مهاجران را در ایران دارند.^{۴۹}

همچنین جاذبه‌های سرزمین ایران باعث شده است هر ساله تعداد زیادی از جهانگردان، ایران را به عنوان مقصد گردشگری خود انتخاب کنند. از میان حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر توریستی که سالیانه وارد ایران می‌شوند، ۲۵۰ هزار نفر از خاورمیانه، ۴۳۰ هزار نفر از آسیا – پاسیفیک، ۱۵۰ هزار نفر از اوراسیای مرکزی، ۸۰۰ هزار نفر از اروپا، ۳ هزار نفر از آفریقا، ۱۵۰۰ نفر از آمریکای شمالی، و ۵۰۰ نفر نیز از آمریکای لاتین هستند.^{۵۰} مواردی از این قبیل افزایش بُرد قدرت نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران در جهان را در پی خواهد داشت.

۷. بیداری اسلامی و هویت‌یابی اسلامی

بسیاری از صاحب‌نظران در پدیده جنبش‌های اسلامی معاصر معتقدند انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و اثرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و ازدیاد فعالیت‌های مؤثر در جوامع عربی و اسلامی بوده است. نظریه تأثیرپذیری کشورهای اسلامی از انقلاب، مبتنی بر سخنان رهبران جنبش‌های آزادی‌بخش و الگوبرداری آنان از انقلاب ایران و مطالعه تحولات و رویدادهایی است که در کشورهای اسلامی رخ داده است. همین نکته را خبرنگاری یک ماه قبل از پیروی انقلاب از امام(ره) سؤال می‌کند: «آیا فکر می‌کنید دامنه حوادث ایران به ترکیه نیز کشیده شود؟ پاسخ امام(ره): نهضت مقدس ایران نهضتی اسلامی است و از این جهت بدیهی است که همه مسلمین جهان تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند.»^{۵۱} خودآگاهی مسلمانان به‌ویژه در کشورهای اسلامی از قدرت خویش، بازگشت به قرآن، تکیه به فرهنگ غنی اسلامی و الهام‌گیری از انقلاب ایران، مسأله‌ای نبود که هضم آن برای صاحبان قدرت آسان باشد. الکساندر هیک می‌گوید: «به نظر من خطرناک‌تر از این (مشکلات بین‌المللی) عواقب گسترش بنیادگرایی

اسلامی است که در ایران پا گرفته و اکنون عراق و ثبات تمام رژیم‌های عرب میانه‌رو را در منطقه تهدید می‌کند. این پدیده اگر از کنترل خارج شود منافع ابرقدرت‌ها را به خطرناک‌ترین وجه به مخاطره خواهد انداخت.^{۵۲} الهام‌گیری مسلمانان از ایران همچنان در تدوین کتاب‌ها و تیراژ و حجم فروش این دست از کتاب‌ها، و نیز در رسانه‌ها و مطبوعات چشمگیر بوده است.

بیداری اسلامی مقوله‌ای است که هم‌زمان با تهاجم همه‌جانبه غرب در جهان اسلام و عصر استعمار شروع شد و به‌عنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در عصر امروز در قالب یک جنبش اجتماعی و سازمانی رخ نموده است. این جریان در عرصه منازعات سیاسی و امنیتی علاوه بر اینکه موجودیت و نفوذ خود را به اثبات رسانیده است، می‌رود تا به قدرت بلامنازع نقش‌آفرین در سطح جهانی تبدیل شود. امروز امواج بیداری اسلامی به سرعت در حال پیشرفت در سراسر جهان بوده و ارزش‌های اسلامی در حال احیا می‌باشند. بیداری اسلامی به‌عنوان یک آگاهی جمعی با تکیه بر اراده عمومی و متأثر از اسلام اصیل تحت مدیریت جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی تبدیل به رفتار سیاسی شده و در شکل یک ایده سیاسی سامان داده شده است. وضعیت معادلات منطقه‌ای در حرکت رو به جلوی خود هم‌سو با منافع و مصالح اسلام و جنبش‌های اسلامی و کاملاً در تضاد با برنامه‌ها و آرمان‌های غرب در حال رقم خوردن است. این مساله، خود باعث تغییر موازنه قدرت به نفع جنبش‌های شیعی منطقه با پشتوانه فرهنگی انقلاب اسلامی است. نهضت بیداری اسلامی در آغاز خیزش انقلابی به سرعت حرکت تکاملی را تجربه می‌کند. حرکتی که هرچه به پیش می‌رود به چشم‌انداز آرمانی خود نزدیک می‌شود و با اعتماد به نفس تمام در حال ویران‌سازی بنیادهای سیاسی و حقوقی غرب در منطقه است.^{۵۳}

۸. انقلاب اسلامی، اعتلای دوباره وحدت تمدنی جهان اسلام

انقلاب اسلامی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، تقریب مذاهب اسلامی و نفی فرقه‌گرایی مذهبی، درصدد وحدت ملت‌های مسلمان و تحقق پروژه امت‌سازی برآمد. این مهم از یک‌سو بر اساس مبارزه‌ای مثبت یعنی تکیه بر باورهای اصیل اسلامی و نیز آیین‌ها و مراسم سنتی دینی استوار بود که شالوده سازمان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امت اسلامی را بر باورهای

اصیل اسلام ناب محمدی و نیز فرهنگ‌ها و آیین‌های مشترک اسلامی از جمله حج ابراهیمی پایه‌گذاری می‌کرد، و از سوی دیگر، بر مبارزه‌ای منفی علیه دشمن مشترک از جمله در مراسم برائت از مشرکین و براساس استکبارستیزی و کوتاه کردن دست قدرت‌های جهانی از ثروت‌های ملی کشورهای اسلامی استوار بود که نمایانگر حساسیت مسلمانان نسبت به تحولات جهان اسلام و ضرورت ارتقای روح جمعی آنان بر اساس مخالفت با سلطه قدرت‌های بیگانه، مبارزه با صهیونیسم و فسادستیزی بود. در این راستا، احیای امت و تمدن اسلامی بر پایه قرآن و حدیث و سنت و فرهنگ و کلام اسلامی یا بر اساس جهان‌بینی اسلامی و تشکیل جامعه متحد اسلامی بر اساس آیین جهانشمول اسلامی و نیز بر اساس پیوند دولت‌ها و ملت‌ها و وحدت نخبگان فکری، فرهنگی و سیاسی از یک‌سو، و تشکیل جبهه متحد اسلامی در مقابل اردوگاه شرق و غرب و با تقویت اندیشه مبارزه با صهیونیسم و رژیم صهیونیستی و بازسازی آرمان فلسطین و حساسیت‌افزایی مسلمانان نسبت به تحولات جهان اسلام از سوی دیگر، موجب توجه به هم‌گرایی جهان اسلام براساس اتحادیه‌های منطقه‌ای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی برای اثرگذاری بر نظام تصمیم‌گیری بین‌المللی گردید و علاوه بر احیای ژئوپلیتیک جهان اسلام، موجب افزایش نقش دین به عنوان اصلی اساسی در مدیریت تحولات جهانی شد. بدین ترتیب تمدن اسلام توانست درصدد دستیابی به جایگاهی نوین در نظم جهانی برآید و با ارتقای سطح تحلیل سیاست بین‌الملل از بازیگران دولتی به بازیگران تمدنی فرصتی برای انتشار پیام ادیان ابراهیمی را فراهم آورد که با توجه به استواری بر فطرت پاک بشری محدود به فضا و زمان خاصی نیستند و از این‌رو می‌توانند با تاکید بر گره خوردن سرنوشت انسان‌ها به یکدیگر در کره خاکی و با توجه به ذات‌گرایی به معنای اینکه بشریت نمود عامی از وجود هستی‌بخش است، بر نقش عنصر ایمان در گسترش ارزش‌های بشری و توسعه آدمی شدن تاکید ورزند. در واقع، عالم‌گیری دین به‌عنوان نظامی جامع برای انسان‌ها و پیوند فرهنگ جهان‌گرایی با تمدن‌گرایی دینی موجب رویکرد کلان به موضوعات جهانی بشری می‌گردد که به‌عنوان نمونه می‌توان به ضرورت امنیت، صلح، عدالت و توسعه آموزش و پرورش ابنا بشر به عنوان موضوعاتی مرتبط با یکدیگر اشاره کرد. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی ایران با نوعی کلان‌نگری و با مطرح کردن دین به عنوان تنها راه سعادت بشر و با

تکیه بر کلیت‌گرایی و عام‌گرایی اسلام به عنوان گفتمان اصیل، عقلانی، سیاسی و الهی و با تاکید بر عدم گسست بین عرصه‌های مختلف حیات بشری، توانست اهمیت سیاسی دین در روابط بین‌الملل را باز نمایند و بدین ترتیب به جهان اسلام نوعی خودآگاهی و خودباوری برای وحدت تمدنی به منظور نقش‌آفرینی مجدد در عرصه فرهنگ و سیاست بین‌الملل اعطا نماید.^{۵۴}

۹. توانایی‌های رسانه‌ای

عملکرد دیپلماسی فرهنگی به گونه‌ای است که دولت‌ها نیازمند ایجاد شبکه ارتباطات حرفه‌ای و گسترده هستند. پیامی که این شبکه به مخاطب خارجی می‌رساند، نشان‌دهنده هویت و طرز فکر عامه یک کشور است و همواره باید ابعاد سازگاری و استمرار را در خود داشته باشد. بهره‌گیری از رسانه کارآمد در بحث دیپلماسی فرهنگی بسیار بااهمیت است. رسانه‌ها با قدرت نفوذ فوق‌العاده خود در جوامع گوناگون، قادرند تصویر مثبت یا منفی از یک کشور را در جهان خلق کنند و این مساله باعث شده است مدیریت رسانه‌ها مورد توجه خاص دولت‌ها قرار گیرد.^{۵۵}

امروزه ابزارهای ارتباطی این امکان را به وجود آورده‌اند که بتوان به‌طور مستقیم با مخاطبان در هر گوشه جهان ارتباط برقرار کرد. بر این اساس، رسانه‌ها در جذب مخاطب از روش‌ها و سازوکارهای پیچیده‌ای استفاده می‌کنند. علاوه بر این، تعدد شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی، سایت‌های اینترنتی، روزنامه‌ها و مجلات و دیگر ابزارهای ارتباطی به حدی است که مخاطبان علاوه بر کسب اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان، امکان مقایسه و اعتبارسنجی اطلاعات را نیز دارند. بنابراین رسانه‌هایی در این رقابت موفق‌ترند که دارای ابزارهای قدرتمند فنی و زبانی هستند و از طرف دیگر شناخت بالایی نسبت به خلیات و روحیه مخاطبان خود دارند. در ایران تمرکز فعالیت‌های رسانه‌ای در سازمان صدا و سیماست و این سازمان دارای حجم عظیمی از وظایف است که علاوه بر ارتباط با مخاطبان داخلی به زبان فارسی، تلاش می‌کند با راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای به زبان‌های خارجی، نظیر شبکه العالم و پرس تی.وی. با مخاطبان خارجی نیز ارتباط برقرار کند. آغاز به کار شبکه خبری پرس تی.وی. در تیر ۱۳۸۶، این امید را به وجود آورد که ایران بتواند از طریق یک رسانه حرفه‌ای ملی، پیام خود را به مخاطبان بین‌المللی منتقل کند.

مسئولان این شبکه هدف از راهاندازی پرس تی.وی را «شکستن سلطه غرب بر رسانه‌های جهانی» اعلام کردند و اظهار امیدواری نمودند که این شبکه بتواند با شبکه‌های تلویزیونی انگلیسی زبان ۲۴ ساعته مانند بی.بی.سی، سی.سی.ان. و شبکه الجزیره رقابت کند.^{۵۶} جمهوری اسلامی ایران، شش روزنامه به زبان‌های انگلیسی و عربی به منظور انعکاس اخبار و آشنایی شهروندان دیگر کشورها و یا افراد مقیم در ایران با فرهنگ و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی ایران انتشار می‌یابد در این میان، روزنامه‌های *الوفاق* و *کیهان عربی*، مخاطبان خود را در کشورهای عرب‌زبان خاورمیانه و آفریقا جستجو می‌کنند همچنین سیمای جمهوری اسلامی ایران در بعد برون‌مرزی دارای پنج شبکه جهانی جام‌جم، العالم، سحر، الکوثر و پرس تی.وی است که مسلمانان و سایر مخاطبان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را پوشش می‌دهد شبکه العالم شبکه تلویزیونی ۲۴ ساعته اخبار به زبان عربی در خاورمیانه است که در بهمن ۱۳۸۲ افتتاح شد کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، عراق، مصر، موریتانی، الجزایر، سوریه، لبنان، اردن و فلسطین مخاطبان اصلی این شبکه محسوب می‌شوند شبکه العالم نه تنها در غزه و رام‌الله دارای دفتر خبری است، بلکه در سرزمین‌های اشغالی موسوم به ۱۹۴۸ نیز دارای خبرنگار است. این شبکه در زمان جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه لبنان، به صورت مستقیم از اصابت موشک به حیفا نیز گزارش می‌داد. العالم در واشنگتن و نیویورک نیز دفتر خبری دارد شبکه العالم هم‌اکنون دارای ۵۲ خبرنگار در ۴۰ کشور است و می‌تواند غالب خواسته‌های مخاطبان را انعکاس دهد.^{۵۷} شبکه عرب‌زبان الکوثر نیز از دیگر شبکه‌های تلویزیونی برون‌مرزی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است که در سطح جهانی برنامه پخش می‌کند و کشورهای عرب‌زبان خاورمیانه و آفریقا را پوشش می‌دهد.

۱۰. فعالیت‌های آموزشی

یکی دیگر از سیاست‌هایی که در قالب دیپلماسی فرهنگی ایران باید مورد توجه قرار گیرد، بحث آموزش و پذیرش دانشجویان خارجی است. پذیرش دانشجوی خارجی از جمله مسایلی است که مورد توجه شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفته و این شورا در مصوبه ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی و فوق برنامه دانشجویان خارجی، در فروردین ۱۳۸۵، تاکید

کرده است: «یکی از مهم‌ترین اهداف جذب و آموزش دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های کشور، برقراری تعاملات علمی- فرهنگی و اجرایی پس از فراغت از تحصیل آنهاست. این امر خود بستگی به تصویری خواهد داشت که در ذهن این دانشجویان از فرهنگ ایرانی- اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، در طول مدت اقامت آنها در ایران شکل می‌گیرد که در وجه مثبت آن، آنان را در مقام سفیران فرهنگی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد.»^{۵۸} جمهوری اسلامی ایران تاکنون همکاری‌های دوجانبه دانشگاهی با برخی کشورهای جهان، از جمله شش کشور در خاورمیانه، برقرار کرده است. همچنین در چهار کشور منطقه، واحدهای دانشگاهی تابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و یا دانشگاه آزاد اسلامی تأسیس شده است.^{۵۹} در حال حاضر ۱۶ هزار دانشجوی غیرایرانی در ایران تحصیل می‌کنند. تعداد ۳ هزار و ۵۰۰ دانشجو در دانشگاه‌های کشور و بقیه در دانشگاه جامعه‌المصطفی و حوزه‌های علمیه در علوم دانشگاهی و علوم اسلامی شاغل به تحصیل‌اند. البته از این میان ۸۰۰ دانشجو بورس و مابقی با هزینه شخصی تحصیل می‌کنند.^{۶۰} دانشجویان خارجی از کشورهای افغانستان، عراق، کشورهای آسیای میانه، کشورهای عربی، کشورهای آفریقایی و برخی دیگر از کشورها برای تحصیل به ایران آمده‌اند. یکی از بزرگ‌ترین مراکز دانشگاهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) است که ظرفیت بالایی برای پذیرش دانشجوی خارجی دارد و یکی از مهم‌ترین اهداف آن نیز جذب دانشجویان از کشورهای گوناگون جهان است. با این حال، در حال حاضر در مقابل هر ۸ هزار دانشجوی ایرانی این دانشگاه، حدود ۱۰۰ دانشجوی خارجی پذیرفته شده‌اند. این در حالی است که ۶۰ هزار دانشجوی ایرانی در خارج از کشور تحصیل می‌کنند.^{۶۱} به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین موانع افزایش جذب دانشجویان خارجی، مراحل اداری و طولانی گذر از وزارت امور خارجه و کمبود اعتبارات در دانشگاه‌های ایران است. هرچند شورای عالی انقلاب فرهنگی به همه دانشگاه‌ها اجازه داده است ۵ درصد از ظرفیت خود را به دانشجویان خارجی اختصاص دهند، به دلیل موانع موجود در برخی دانشگاه‌ها این ۵ درصد به صفر رسیده است و در برخی دیگر بسیار ناچیز است. از طرف دیگر، محدودیت اعتبارات جهت جذب دانشجویان خارجی به عنوان یک مانع اساسی در افزایش تعداد آنها تلقی می‌شود. وزارت علوم هر ساله ۳ میلیارد تومان برای بورسیه دانشجویان

خارجی اعتبار تخصیص می‌دهد که تنها می‌توان ۳۰۰ دانشجو را بورسیه کرد. مساله حایز اهمیت دیگر این است که بیشترین تقاضا جهت تحصیل در حوزه علوم پزشکی، فنی و هنر است و تعداد کمی در رشته‌های علوم انسانی در ایران تحصیل می‌کنند.^{۶۲} یکی دیگر از نکاتی که در جذب دانشجوی خارجی و اثرگذاری مثبت بر آنها از تصویری که از ایران در کشور خود ارایه می‌کنند، زمینه‌سازی فرهنگی مناسب برای حضور دانشجویان خارجی در میان مردم است. در حال حاضر به نظر می‌رسد مشکلات متعددی در مورد تعامل مردم با دانشجویان خارجی وجود دارد که گاه باعث می‌شود نتیجه‌ای نامناسب به وجود آید.

نتیجه‌گیری

هویت، تلقی از خود یا خودآگاهی فردی و جمعی است و آنگاه که در برابر دیگری و دیگران ترسیم می‌شود، ماهیت یا وجه تمایز ما از دیگران است. در ایران هویت ملی به مثابه بخشی از سیاست فرهنگی در نسبتی وثیق با ملت‌های هم‌جوار و نیز هویت‌های فراملی قوام یافته و اشتراکات فرهنگی ایرانیان با مردم کشورهای همسایه، کشورهای جهان اسلام و نیز سایر اقوام و ملت‌ها در قالب اهتمام به ارزش‌های والای انسانی همچون مردم‌سالاری، حقوق بشر و آزاداندیشی، فرصت‌های هویتی مغتنمی را برای اعتلا و هم‌گرایی فرهنگی فراهم آورده است.

رهیافت سازه‌نگاری که تلاشی است برای تبیین رویدادهای بین‌المللی با استفاده از مسایل هویتی و منابع فرهنگ داخلی کشورها، بهترین و مناسب‌ترین رویکرد برای فهم ارتباط میان دو مفهوم «هویت» و «قدرت نرم» است. در این مقاله با بهره‌گیری از این رهیافت، بازتاب مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر کشورهای همسایه، منطقه، و جهان اسلام به‌گونه‌ای توصیفی و گاه آماری مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد که رابطه مستقیمی میان ویژگی‌های صوری و محتوایی مؤلفه‌های قدرت نرم ایران با مسایل هویتی و منابع فرهنگی کشورهای منطقه و خاورمیانه وجود دارد. در این میان، ایران با اصول، ارزش‌ها و ایستارهای فرهنگی خود بیشترین تلاش را برای افزایش قدرت نرم در میان کشورهای منطقه داشته است. وجود ویژگی‌های مهم فرهنگی و دینی باعث شده است کسانی را فراتر از مرزهای جهان اسلام به

خود جذب کند. چنانچه پیداست، خاورمیانه و کشورهای منطقه، گستره نفوذ فرهنگ و تمدن ایران بوده و هست و چنانچه با درایت و سازماندهی بیشتری این نکته در معادلات سیاسی و دیپلماتیک لحاظ گردد، شاهد روابط فرهنگی و سیاسی بسیار نزدیکی با همسایگان خویش خواهد بود. توجه به ریشه‌های تاریخی، ملی و فرهنگی ایران در منطقه در کنار تشابهات مذهبی به عنوان معیار ایجاد رابطه حسنه با کشورهای منطقه و خاورمیانه و استفاده صحیح و بهینه از قابلیت‌های مذهبی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی در مناسبات دوجانبه و یا چندجانبه، گسترش حوزه نفوذ و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه و خاورمیانه را به همراه خواهد داشت. در مجموع، ضمن تایید فرضیه طرح شده در ابتدای این مقاله، می‌توان گفت بی‌شک، یک ایران آزاد و در عین حال پایبند به ارزش‌ها و اصول اسلامی، جذابیت مضاعفی را به دنبال خواهد داشت. این وضعیت می‌تواند نفوذ کلی ایران را در چارچوب دیپلماسی فرهنگی در سطوح منطقه‌ای و جهانی افزایش داده و سطح قدرت نرم ایران را ارتقا بخشد. بنابراین، تقویت مؤلفه‌های قدرت نرم ایران و استفاده از مزایای آن در کنار توجه و پاسداشت عناصر دینی، تاریخی و سنتی هویت ملی ایران، اثربخشی بیشتر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در پی خواهد داشت. بر این اساس با سرمایه‌گذاری جدی بر مؤلفه‌های قدرت نرم و پذیرش مسئولیت‌هایی که توفیق آن در گرو غلبه بر ساختارهای بین‌الادّهانی نامطلوب و ایجاد تقارب بین‌الادّهانی و برخورداری از قدرت نرم می‌باشد، می‌توان سبک و سیاق سیاست خارجی مطلوب جمهوری اسلامی ایران را با هزینه کم و منافع بسیار بهبود بخشید.

پاورقی‌ها:

۱. داوود هرمیداس باوند، «چالش‌های برون‌مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۳۰-۱۲۹، ۱۳۷۷، ص ۲۰.
۲. پیروز مجتهدزاده، «هویت ایرانی در آستانه سده ۲۱»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، خرداد و تیر ۱۳۷۷، ص ۱۲۴.
۳. داوود هرمیداس باوند، پیشین.
۴. جوزف نای، تهدید نرم، ترجمه علی محمد نایینی، اندیشکده راهبردی امنیت نرم، ۲۰۰۴، ص ۵.
۵. محمود طلوعی، فرهنگ جامع علوم سیاسی، تهران: نشر علم، ۱۳۸۵، ص ۴۷۱.
6. Frank Ninkovich, "U. S. Information Policy and Cultural Diplomacy," *Foreign Policy Association*, 1996, p. 3.
7. Gifford D. Malone, *Political Advocacy and Cultural Communication: Organizing the Nations Public Diplomacy*, University Press of America, 1998, p. 12.
8. Milton C. Cummings, *Cultural Diplomacy and the US Government: A Survey*, Washington DC: Center for Arts and Culture, 2003, p. 1.
9. Lasser Eric and Etal., *Knowledge and Communities*, Boston, Butter Worth, Heinemann, 2000, pp. 28-48.
10. Theo Farell, *Constructivist Security Studies: Portrait of Research Program*, International Studies, London, Rutledge, 2002, p. 49.
۱۱. آ. متقی و ح کاظمی، «سازمان‌نگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، شماره ۴، ۱۳۸۲، ص ۲۱۱.
۱۲. محمود خاتمی، پدیدارشناسی دین، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹، ص ص ۶۸-۷۰.
13. M. Wind, "The Rules of Anarchy," *Jornal of peace Research*, 1997, p. 225.
14. A. Wendt, *Social Theory of International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press, 1999, p. 35.
15. T. Hopf, "The Promise of Constructivism in International Relations Theory," *International Security*, Vol, 23, No, 1, Reprinted in Linklater Ed., 1998, p 175.
۱۶. پیمان وهاب‌پور، «نقش‌آفرینی اتحادیه اروپا از دیدگاه سازمان‌نگاری»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۴، ۱۳۸۴، ص ۱۲۹.
17. Volker Ritbergger, "Approaches to the Foreign Policy Derived from International

Relations the Ories,” *Paper Prepared Annual Meeting of the International Studies*, New Orlean, and March, 2002, p. 124.

18. Nagire Wood, *Explaining International Relations Since 1945*, London: Oxford University Press, 1997, p. 27.

۱۹. حسن بشیر، «جمهوری اسلامی ایران و مدل‌های تعاملی هم‌گرا در روابط فرهنگی و سیاسی مردمی و دولتی در داخل و خارج مرزها»، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی: رویکردی ایرانی، مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۶.

20. Nicholas Onuf, “Foreword” in Jamie Frueh, *Political Identity and Social Change: The Remaking of the South African Social Order*, Albany: State University of New York Press, 2003, pp. 41-42.

21. R. Price & Reus Smith, “Dangerns Liaisons? Critical International Theory and Constructivism,” *Eruopean Jurnal of International*, Vol, 4, 1998, p. 261.

۲۲. حسن بشیر، «گفتمان خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، ۱۳۸۸، ص ۶۲.

۲۳. کیهان برزگر، «ایران، خاورمیانه و امنیت بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره ۳، ۱۳۸۷، صص ۶۵۵-۶۵۴.

۲۴. غلامرضا کاتب، «قدرت نرم و فروپاشی سیاسی، بررسی استراتژیک»، قابل دسترسی در:

http://strategicreview.blogspot.com/2009/06/blog-post_7558.html

۲۵. حسین هرسبیج و مجتبی تویسرکانی، «مقایسه میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه»، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره ۱، ۱۳۸۸، صص ۱۸۳-۱۸۲.

۲۶. سیدحسین شرفالدین، «قدرت نرم آمریکا و ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۳۱، ۱۳۸۴، صص ۵۶-۵۴.

۲۷. فرشته مظفری، «جایگاه قدرت نرم در استراتژی جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سوم، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۱۸-۱۱۲.

28. Paul Sharp, *Revolutionary States, Outlaw Regimes and the Techniques of Public Diplomacy*, The New Public Diplomacy Soft Power in International Relations, Edited by Jan Melissen, Hampshire: Palgrave, 2005, p. 115.

۲۹. رضا سیمبر، «مذهب و روابط بین‌الملل پس از یازده سپتامبر»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیستم،

شماره ۲۲۴ - ۲۲۳، ۱۳۸۵، ص ۷۶.

۳۰. بهاره سازمند، «تحلیل سازه‌انگاره از هویت ملی در دوران جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲۲، ۱۳۸۴، ص ۵۰.

۳۱. حمیرا مشیرزاده، «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۳، ۱۳۸۳، ص ۱۷۶.

۳۲. تد هوپف، نوید مکتب برسازی برای نظریه روابط بین‌الملل؛ نو واقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶، ص ۴۷۶.

۳۳. حمیرا مشیرزاده، «نقش ارزش‌ها و هنجارها در شکل دادن به سیاست خارجی؛ رهیافت سازه‌انگاره»، تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، سال سوم، شماره ۳، ۱۳۸۲، ص ۴۵.

۳۴. سیدباقر سید نژاد، «مطالعه تحلیلی و تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نظریه سازه‌انگاری»، مجله علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۴۹، ۱۳۸۹، صص ۱۷۲ - ۱۷۱.

۳۵. محمدرضا دهشیری، «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه حضور، شماره ۵۷، ۱۳۸۷.

۳۶. پروین داداندیش، «ژئوپلیتیک شیعه»، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۹، ۱۳۸۶، ص ۵۵.

37. Islamic Web, "How Many Shia are there in the World?" 2007, available at: http://www.islamicweb.com/beliefs/cults/shia_population.htm, accessed: 12 December 2008; - Nation Master, "Demographics of Islam," July 2007, available at: <http://www.nationmaster.com/encyclopedia/Demographics-of-Islam>, accessed: 7 December 2008.

38. Islamic Web, Ibid.

39. Ibid.

۴۰. فرهنگ رجایی، مشکل هویت ایرانیان امروز: ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹.

۴۱. شاپور رواسانی، زمینه‌های اجتماعی هویت ملی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰، ص ۵۰.

42. Learn Persian Online, "Persian Language," 2007, available at: http://www.learn-persian.com/english/Persian_Language.php, accessed: 3 December 2008; - M. Schams, "Persisch-Deutsch Uberstezer/Dolmetscher in berlin," Iranica Institute, 2006, available at: <http://www.iranica.de/>, accessed: 2 December 2008; - G. Lazard, "The Rice of the New Persian Language," in R. N. Frye, *The Cambridge History of Iran*, Cambridge:

Cambridge University Press, Vol. 4, 1375, pp. 595-632.

۴۳. ح. قبادی و م. غیاث‌الدین، «ظرفیت‌های ادبیات فارسی در بازیابی هویت ایرانی»، در: *هویت در ایران*، به کوشش علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳، ص ص ۱۶۰-۱۴۳.

۴۴. پیروز مجتهدزاده، «روحیه عدالت خواهی و جایگاه آن در هویت ملی ایرانیان»، در: *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، به کوشش داوود میرمحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۳.

۴۵. پیروز مجتهدزاده، «دادگری، پدیده‌ای از هویت ایرانی»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره‌های ۲۲۳-۲۲۴، ۱۳۸۵، ص ۴.

۴۶. پیروز مجتهدزاده، *دموکراسی و هویت ایرانی*، تهران: نشر کویر، ۱۳۸۷، ص ص ۱۶۶-۱۰۲.

۴۷. پیروز مجتهدزاده، «روحیه عدالت خواهی و جایگاه آن در هویت ملی ایرانیان»، پیشین، ص ۲۳۸.

۴۸. س. فیاضی، «مردم‌سالاری دینی؛ گفتمان رهبر انقلاب اسلامی»، *فصلنامه کتاب نقد*، شماره‌های ۲۱-۲۰، ۱۳۸۱، ص ص ۴۳.

۴۹. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، ۲۰۰۸.

۵۰. سمیه کریمایی، «تخمین تابع تقاضای اکوتوریسم؛ مطالعه موردی گیلان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، اصفهان: دانشگاه اصفهان (دانشکده علوم اداری و اقتصاد)، ۱۳۸۷، ص ۱۶.

۵۱. *صحیفه نور*، جلد ۴، ص ۱۱۴.

۵۲. *روزنامه اطلاعات*، ۶۱/۱۲/۸.

۵۳. احمد دوست‌محمدی، «انقلاب اسلامی، تجدید حیات اسلام و نظریه برخورد تمدن‌ها»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۵۴، ۱۳۸۰.

۵۴. محمدباقر خرمشاد و علی آدمی، «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز، دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، شماره ۶، ۱۳۸۸.

55. Tamir Sheafer and Itay Gabay, "The Media and Public Diplomacy: A Strategic Contest over International Agenda Building and Frame Building," *Political Communication*, Vol. 26, Issue 4, 2009, pp. 449-450.

۵۶. *خبرگزاری مهر*، ۳ تیر ۱۳۸۷.

۵۷. *سایت خبری/العالم*، ۱۳۸۴/۱/۱، «مدیرکل اخبار العالم: نبرد رسانه‌ای، جنگ قرن ۲۱ است»، ۲۹ آذر ۱۳۸۶، قابل دسترسی در: <http://www.irna.ir/fa/news/view/line-10/8608294178191811.htm>

۵۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۵.

۵۹ دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، «گزارش تفصیلی فعالیت‌های دفتر همکاری‌های

علمی و بین‌المللی»، ۱۳۸۵، قابل دسترسی در:

<http://www.msrt.ir/sites/OSIC/DocLib7/Forms/AllItems.aspx>

۶۰ خبرگزاری مهر، ۱۴ تیر ۱۳۸۹.

۶۱ خبرگزاری دانا نیوز، ۱۰ دی ۱۳۸۸.

۶۲ همان.